

شنبه ۹ شهریور ۱۳۹۲ • سال یازدهم • شماره ۱۸۲۰ • ۷

شرق

سیاست • روزنامه

داغی که همچنان تازه است، محمد بسته‌نگار	صفحه ۸
اسناد دولتی در آمریکا چگونه منتشر می‌شوند؟؛ <i>فرنگیس بیات</i>	صفحه ۹
جراحان سنگدل خاور میانه	صفحه ۱۰

نگاه	
اسناد کودتای ۳۲ و یک فرصت جدید	
 یوسف مولایی حقوقدان و استاد دانشگاه	
رازهای یک رویداد تلخ تاریخی پس از ۶۰سال از پرده بیرون می‌افتد و دموکراسی غربی در امتداد شعارهای خود شرمسار می‌شود که «اداستن حق مردم است»، ولی مردم و حقیقت در فرهنگ سیاسی قدرت‌های سرمایه‌داری مفاهیمی شناور و سیال هستند که متناسب با صاحبان‌قدرت به رنگ دلخواه آنها آراسته و عرضه می‌شوند. همین امروز هم اطلاع‌رسانی به مردم با شیوه‌های غیرمهندسی‌شده یک خیانت است. هزینهای آن اسنودن جوان، مدیریت سایت وبکی لیکس و دبلی سرباز آمریکایی برای اطلاع‌رسانی می‌پردازند، نشان‌دهنده فاصله عمیقی است که بین شعارهای دموکراسی و عملکرد آن وجود دارد. متناسبات بین‌المللی پهرمند می‌کند و با برخورداری از قدرت واقعی خود قواعدی را تانسیس کرده‌اند که همیشه تفسیرها باب میل آنها را داشته و دارند. یکی از این اصول عدم مداخله در امور داخلی کشورهاست که به تناسب اینکه کشور مداخله‌کننده در چه جایگاهی در سلسله‌مراتب قدرت جهانی قرار دارد، تفسیرهای متفاوتی از اصل عدم مداخله ارایه می‌شود. ایالات متحده آمریکا با تکیه بر یکی از پنج صندلی اعضای دائم شورای امنیت که او را از حقوق ممتازه در مناسبات بین‌المللی بهره‌مند می‌کند و با برخورداری از قدرت واقعی خود در عرصه نظامی، سیاسی، اقتصادی به‌اشکال مختلف در امور داخلی کشورها مداخله کرده و به سیاست‌های مداخله‌گر ایانه خود ادامه می‌دهد. آمریکا را‌گوردرد مداخله نظامی در کشورهای دیگر است، در کارنامه مداخلات آمریکا فهرست بلندبالایی از کشورهای جهان ثبت شده که گواتمالا، پاناما، شیلی، کوبا، نیکاراگوآ، هائیتی، ونزوئلا، ویتنام، مکزیک، کره، عراق، افغانستان، پاکستان، سودان، سومالی، ایران و … از جمله این کشورها هستند. مداخلات نسل اول عمدتا مستقیم یا غیرمستقیم به‌صورت نظامی و سخت‌افزاری صورت می‌گرفت ولی امروزه توسعه فناوری مدرن به دولت‌های مداخله‌گر این امکان را فراهم آورده که مداخلات خود را به‌صورت نرم‌افزاری مدیریت کنند. ویژگی مداخلات نسل دوم در این است که شناسایی عامل و شیوه‌های مداخله بسیار دشوار بوده و رعایت محرکتر و پنهانکاری در آن وجود دارد، خرابکاری‌نرم‌افزاری و برنامه‌های کامپیوتری و شوند جاسوسی امهورا برای ایجاد محدودیت‌های شدید در مناسبات اقتصادی کشورها، دامن‌زدن به جاذبه‌های مهاجرتی و ایجاد تسهیلات برای جذب‌نخبگان کشورهای در حال توسعه، گوشه‌ای از مداخلات نسل دوم است که با هزینه‌های بسیار کم مدیریت می‌شوند. دخالت در حق تعیین سرنوشت مردم از طریق سازماندهی و مدیریت کودتاهای نظامی یکی از شدیدترین و خشن‌ترین نوع مداخله در امور داخلی کشورها محسوب می‌شود که کارنامه عملکرد آمریکا در این خصوص بسیار ننگین و شکنجاساز است و آمریکا با استفاده از ضعف‌های بنیادین ساختار جامعه جهانی تقریبا هیچ‌وقت به‌طور رسمی به پاسخگویی در قبال اعمال خود به هیچ نهاد بین‌المللی فراخوانده نشده و به‌نوعی از مصونیت مطلق برخوردار است. قضیه نیکاراگوآ در دیوان بین‌المللی دادگستری (لهه کی‌مور) استثنایی است که در آنجا هم ایالات‌متحده با استفاده از موقعیت خود در شورای امنیت از اجرای رای دیوان سر باز زده است. آمریکا در قبال اقدامات مداخله‌جویانه خود در چهار گوشه دنیا از مصونیت خود در نظام جهانی سبود برده است. افشای اسناد طراحی و مدیریت کودتای ۲۸مرداد سال ۱۳۳۲ ایالات‌متحده آمریکا را به لحاظ حقوقی با وضعیت خطیری مواجه نمی‌کند. طرح دعوی در دیوان بین‌المللی دادگستری لاهه علیه آمریکا که صلاحیت اجرایی دیوان را تهدیدرفته است، مقهور نیست، به همان ترتیب طرح موضوع در شورای امنیت نیز با وجود حق وتوی آمریکا راه به جایی نخواهد برد. هر چند ایران باید موضوع را جهت تعیین مناسب‌ترین اقدام خود مورد بررسی کارشناسانه قرار دهد. در چارچوب عرفی بین‌المللی آمریکا باید از ملت و دولت ایران عذرخواهی کرده و رضایت ایران (Satisfaction) را جلب کند. صوور بیانیه رسمی دولت آمریکا مبنی بر پذیرش مسوولیت دخالت در امور داخلی ایران و عذرخواهی از ولوت و ملت ایران گامی در مسیر اعتمادسازی، ارزیابی خواهد شد. ایران می‌تواند تقاضای جبران خسارت مادی و معنوی وارده به خود را کند. ولی در چارچوب نظام قضایی بین‌المللی، پیگیری مسیر قضایی این موضوع امیدواری زیادی برای کسب موفقیت ایجاد نمی‌کند به همین دلیل ایران باید ظرفیت‌های دیپلماتیک خود را برای پیگیری موضوع فعال کند. از یک جهت که انتشار اسناد کودتای ۲۸مرداد در این زمان به نفع ایران است، ایران می‌تواند از این فرصت در گرفتن امتیازات یا حداقل ایجاد فضای معتدل و مناسب برای انجام مذاکرات استفاده کند و با استناد به نقض فاحش حقوق بین‌الملل از جانب آمریکا و عدم پایبندی آن کشور به تعهدات بین‌المللی خود، ازجمله نقض مکرر بیانیه اعلامیه آزادی برای کسب موفقیت ایجاد نماید. در تحريم‌های ایران باید ظرفیت‌های دیپلماتیک خود را برآرد. به عبارت دیگر ایران می‌تواند در چارچوب اعمال دیپلماسی سازنده، منطقی و حساب‌شده مطالبات خود را بابت مرده‌سالاری خود حمایت‌حاکمتری مردم ایران را نیز با خود همراه کرده با اعمال دیپلماسی عمومی کارآمد و منطبق با سالیان مردم آزادخواه، صلح‌طلب و عدالت‌جو، افکارعمومی جهان را همچون سرمایه‌ای ارزنده به‌سوی خود جلب کند. ایران می‌تواند به جای فعال کردن کف فضای احساسی و عکس‌العملی علیه آمریکا و بالا بردن شدت تنش‌ها و خصومت‌ها از شرمندسازی آمریکا در مسیر مدیریت مذاکرات سازنده با ننتیجه برده – برد استفاده کرده و بدون فراموش کردن گذشته و با تکیه بر تجارب به‌دست‌آمده از سرمایه‌های موجود برای ساختن آینده سود‌ببرد. افشای اسناد مداخله آمریکا در کودتای ننگین ۲۸مرداد، ایران را از نظر زمانی و اخلاقی نسبت به آمریکا چند گام به پیش انداخته و ابتکار عمل را در مدیریت مذاکرات احتمالی به‌دست ایران می‌سپارد. در عین‌حال باید آگاه باشیم که ظرفیت تولیدشده از افشای اسناد، مداخله آمریکا به لحاظ زمانی و استعداد نامحدود نبوده و اگر ایران نتواند به‌موقع و سنجیده از آن استفاده کند، این فرصت نیز همانند فرصت‌های سوخته دیگر از دست خواهد رفت.	

روزنه

شعله‌ور شدن آمریکاستیزی



در ساده‌ترین شکلش می‌توان پرسید که اسناد جدیدی که از سوی مقامات آمریکایی درخصوص دست‌داشتن آمریکایی‌ها در کودتای ۲۸مرداد بیرون آمد، حلوٰی چه اطلاعات تازه‌ای می‌بود و چه معلوماتی به‌دانش‌ما در این حوزره اضافه کرد؟ اسناد چه‌چیزی را نشان می‌دهند که ما آن را تا به‌امروز نفهمیده بودیم و نمی‌دانستیم؟ پاسخ: اسناد جدید هیچ معلومات جدیدی به معلومات قبلی ما نیفزودند. اسناد جدید هیچ اطلاعات تازه‌ای به ما ندانند که ما آنها را قبلاً نمی‌دانستیم. اگر چنین است، پس چرا در ایران این‌همه درخصوص آنها جارجنجال به‌راه افتاد؟ کانه یک کشف جدید و یک دنیای جدید کشف شده؟ پس چرا اینقدر رسانه‌های دولتی به‌همراه بسیاری از مسوولان، چهره‌ها و شخصیت‌های سیاسی حکومتی، پیرامون انتشار این اسناد سروصدا به‌راه انداختند؟ قبل از پاسخ به این سوال، بگذارید نخست یک نگاه کلی به اسناد ببندازیم. اسناد جدید در حقیقت مطلبی را تکرار کردند که ما ۶۰سال است آن را می‌دانیم. اینکه آمریکایی‌ها (به‌کمک انگلیسی‌ها) کودتای ۲۸مرداد را طراحی کردند، عواملی را در تهران اعزام از نظامی‌ها و غیرنظامی‌ها برای انجام کودتای به‌کار گرفتند و هدف کودتا سرنگونی دولت مرحوم دکتر مصدق بود. درست است که اسناد جدید دارند این محورها را نشان می‌دهند، اما ۶۰سال است ما اینها را می‌دانیم. درواقع در همان سال ۱۳۳۲ و چند هفته بعد از کودتا، آمریکایی‌ها افغان داشتند کودتای ۲۸مرداد یکی از ارزان‌ترین کودتاهایی بوده که سازمان سیا تا آن‌زمان طراحی و اجرا کرده بوده است. «کرمیت روزولت طرح اصلی کودتا آن را «یک پیروزی مرکه» برای آمریکا دانست و اضافه کرد که سازمان سیا برتری فکری و استراتژیکش را در جریان انجام موفقیت‌آمیز کودتای ۲۸مرداد به نمایش گذارد. بعد ویوت به مطبوعات آمریکا رسید. نیویورک‌تایمز، واشنگتن‌پست، نیوزویک و… همگی اطلاعات و اخبار زیادی درخصوص اجرای موفقیت‌آمیز کودتای ۲۸مرداد از سوی مقامات آمریکا درج کردند. بعدها حتی فتوکپی یکی از چک‌هایی که سازمان سیا در تهران به عوامل کودتا پرداخته بود، در مطبوعات آمریکا عیناً چاپ شد. جدای از خود کرمیت روزولت، دیگران هم بعدها درخصوص کودتا کتاب نوشتند، ازجمله کار ارزنده مارک گازیورفسکی است که چند سال پیش چاپ شد و به فارسی هم ترجمه شده است». گازیورفسکی حجم انبوهی از اسناد و مدارک را در کتاب تحقیقی‌اش آورده است.

مجدداً می‌رسیم به این پرسش که پس اگر از اسناد جدید، خبری نیست، چرا پس این‌همه سروصدا و مانور پیرامون آن در ایران به‌راه افتاد؟ پاسخ باید گفت که دو دلیل باعث آن شده، روشن نگه مرده‌ها شد، دلیل نخست بازمی‌گردد به فارسی می‌گود که دروغ است.

اول پرسش این است که چرا مصدق فرمان برکناری خود را به هیات دولت نشان نداد تا هیات دولت او در می‌خبری نماند، در حالی که مصدق رسید می‌دهد و فرمان شاه را می‌پذیرد و جالب‌تر آنکه در امضای رسید از ذکر عنوان نخست‌وزیری که همیشه می‌آورده نیز اجتناب کرده و این نکته تاریخی مهمی است که امضای خود را بدون عنوان نخست‌وزیری به کار می‌برد، در حالی که قبل از آن تمام امضاهای خود را با عنوان نخست‌وزیری به کار برده است و این امر به معنای پذیرش دستور شاه است. نکته دیگر این‌متن است این رسید در آبان ۳۲ به‌صورت تایپ شده در اختیار داریس ارتش قرار گرفته اما کلیشه‌ای رسید ۱۴۶سال بعد در سال ۷۲خوشیدی توسط شادروان اهرایم صفاپی منتشر شد.

باوند: ببینید آقای دکتر! از یک کشور آزاد نحوه ابلاغ فرمان شاه بسیار روشن است. **کاشانی:** مصدق هیچ‌گاه این کلیشه را انکار نکرده و هیچ‌کس در وصال و صحت آن تردید ندارد و مسلم است که مصدق چنین رسیدی به نصیری داده. **باوند:** از این کلیشه‌ها که فتوکپی آنها در خیابان‌ها هست بسیار بیرون آمده است. **کاشانی:** اجازه دهید من این موضوع را روشن کنم که چرا آن شب همراه نصیری دو کامیون سرباز بوده. درباره این دو کامیون سرباز گفتنی بسیار است. اینکه سرهنگ نصیری شخصا به در خانه مصدق رفت و این دو کامیون سرباز دو کوچه پایین‌تر نگه داشته شده بودند. بعد وقتی که حکم را ابلاغ کرده رسید دریافت می‌کند و در حال بازگشت به مقرش بوده که به او دستور می‌دهند به سناد ارتش مراجعه کند و او هم می‌رود یا اینکه می‌یرند و تحویلش می‌دهند. آیا از لحاظ اخلاقی موجه است کسی که فرمان را آورده و ابلاغ کرده دستگیر کنند؟

ادامه در صفحه ۸



میزگرد بررسی کودتای ۲۸مرداد با محمود کاشانی و داوود هرمیداس‌باوند در «شرق»

داغ ماندگار مرداد ۳۲ بر پیکر ایران

کاشانی: مصدق عامل انگلیس بود

باوند: خیلی‌ها پس از کودتا پاداش گرفتند

معتقد بودند این حرکت به نوعی رنسانس سیاسی در ایران خواهد بود. در آن زمان قدرت استعماری از طریق شرکت نفت به شکل‌های مختلف در سیاست داخلی کشور اعمال نفوذ می‌کرد و در بدترین شرایطی که آن زمان در جهان به وجود آمده بود به احقاقی حق ایران تن نمی‌داد حالا با این توصیف در نظر بگیرید که اگر حرکت مردمی قیام بوده است، باید بررسی کرد که فرآیند قیام چه بوده؟ آیا قیام مردم برای بازگشت استعمار انجام گرفت؟ یا نظر من که مردم علیه استعمار و برای آزادی قیام می‌کنند در غیر این‌صورت من به مفهوم قیام شک می‌کنم.

❧ **آقای کاشانی به عدم حضور نیروهای نظامی در کودتا ۲۸مرداد اشاره کردند و برای آن مصر را مثال زدند. آیا اینکه ایشان معتقدند نظامی‌ها در کودتا نقشی نداشتند درست است؟ البته باید این اطلاعات تکمیلی را هم در گیومه اضافه کنیم که در اسناد جدید نحوه استقرار نیروهای نظامی و نحوه فرماندهی لجستیک منطقه‌ای و حتی تعیین «کرمیت روزولت» به عنوان فرمانده میدانی اشاره شده است. شما باز هم معتقد به عدم وقوع کودتا هستید؟**

کاشانی: فکر می‌کنم شما کمی شتاب کردید. من ادعا کردم و گفتم که هیچ‌یک از واحدهای ارتش حرکتی علیه مصدق نکردند اما آقای دکتر موضوع را به مرحله دیگری هدایت کردند و این بحث را پیش کشیدند که اگر کودتا نبوده پس قیام بوده در حالی که کودتا نبوده مستلزم این نیست که آن رویداد قیام بوده باشد. وقتی من وجود یک کودتا را نفی می‌کنم معنایش این نیست که به نظر من روز ۲۸مرداد یک قیام ملی صورت گرفته است به‌نظر من پیش کشیدن این بحث در واقع به نوعی منحرف کردن قضیه است. چون شما قصد دارید درمورد کودتا در روز ۲۸مرداد بحث کنید و بگویید که این اسناد منتشر شده دلالت می‌کند بر وقوع آن. پس ابتدا باید اصل کودتا را بیشتر بررسی کنیم.

❧ **آقای باوند آیا شما با ایشان موافق هستید؟**

باوند: در سال ۳۲ با تانک به خانه مصدق رفتند. مردم عادی که تانک ندارند حمید جهانپانی راننده تانک بود. افرادی که همراه زاهدی در آن واقعه شرکت کردند از جمله سرلشکر مزین همه نظامی بودند و حتی در رادیو نیز صحبت کردند عاملان آن واقعه عده‌ای از افسران بازنشسته و افسران در حال خدمت بودند. فرمانده وزیان وقت در این کودتا حضور داشته و بعد از کودتا نیز به پست بسیار حساسی منصوب شد. در این واقعه افراد نظامی با درج‌ات متفاوت شرکت داشتند، عکس‌هایی از آن دوران باقی مانده است که حمید جهانپانی پشت تانک نشسته است.

سال ۳۲ با تانک به خانه مصدق رفتند. مردم عادی که تانک ندارند حمید جهانپانی راننده تانک بود. افرادی که همراه زاهدی در آن واقعه شرکت کردند از جمله سرلشکر مزین همه نظامی بودند و حتی در رادیو نیز صحبت کردند عاملان آن واقعه عده‌ای از افسران بازنشسته و افسران در حال خدمت بودند. فرمانده وزیان وقت در این کودتا حضور داشته و بعد از کودتا نیز به پست بسیار حساسی منصوب شد

کاشانی: باز هم تاکید می‌کنم که پاسخی به پرسش من داده نشد. چون در کودتا باید مقامات رسمی ارتش و واحدهای نظامی علیه دولت رسمی درگیر شوند. برای مثال در نظر بگیرید پرویز مشرف رییس ستاد ارتش بود که علیه نوازشریف کودتا کرد یا ژنرال مصری علیه مرسى کودتا کرد بنابراین باید واحدهای نظامی و فرماندهان آنها علیه دولت مصدق حرکتی کرده باشند ولی نکته مهم این است که اولاً مصدق وزیر دفاع ملی بوده که در سال ۱۳۳۱ به‌دنبال پشتیبانی آیت‌الله کاشانی به خانمش برگشت و وزارت دفاع ملی را از شاه گرفت؛ دوم اینکه در آن زمان سرتیپ ریاحی رییس ستاد ارتش تا آخرین لحظات روز ۲۸مرداد در کنار مصدق بود و به همین دلیل هم بازداشت و محاکمه شد. پس هنگامی که خود مصدق وزیر دفاع است و رییس ستاد ارتش در اختیار او است، واحدهای نظامی و فرماندهانشان که در تهران بودند هیچ‌یک حرکتی نکردند. سرهنگ سرشته که در آن زمان فرماندهی دربان را برعهده داشت، در خاطراتش کرویکی وزارت دفاع ملی و واحدهای نظامی پایتخت را کشیده و به‌صراحت بیان کرده که هیچ‌یک از واحدا در تهران علیه مصدق اقدامی نکردند. کوچک‌ترین دلیلی بر اینکه در مرداد سال ۳۲ کودتایی علیه دولت مصدق شده باشد وجود ندارد. تنها ادعایی که وجود دارد از طرف شخص مصدق است. در اعلامیه‌ای که در صبح ۲۵مرداد در رادیو تهران در ساعت هفت‌صبح خوانده شد و بی‌درنگ در روزنامه‌ها هم به چاپ رسید گفته شده که سرهنگ نصیری در شب گذشته با دو کامیون سرباز به قصد اشغال خانه مصدق و دستگیری او به در خانه او آمد ولی نگهبانان خانه مصدق متوجه طرح کودتای او شدند و دستگیرش کردند. این اعلامیه دولت در رادیو خوانده شد و مردم نیز آن را باور کردند اما اگر دقت کنید این اعلامیه به نام دولت است اما امضایی در آن دیده نمی‌شود یعنی نه مصدق آن را امضا کرده نه دکتر صدیقی، وزیر کشور، که طبق قاعده باید از لحاظ مقام دولتی‌اش وقوع این کودتا را به مردم اعلام کند.



علی ذهابی: ۲۸مرداد ۱۳۳۲ دولت ملی دکتر محمد مصدق سرنگون شد؛ توقفی اجباری. هر چند محمود کاشانی فرزند آیت‌الله مخالف مصدق، آن را همانند پدر کودتا نمی‌خواند. در مناظره‌ای که می‌خوانید سعی شده با نگاه به اسناد جدیدی که از کودتای ۲۸مرداد منتشر شده است این موضوع بار دیگر به بحث گذاشته شود. هر چند «کاشانی پسر» این اسناد را تنها کاغذپاره‌هایی بی‌ارزش می‌خواند. کاغذپاره‌هایی که به تعبیر میهمان دیگر «شرق» داوود هرمیداس‌باوند تاکیدی بر صحبت‌های گذشته مقامات آمریکایی در مورد انجام کودتای ۲۸مرداد علیه دولت ملی دکتر مصدق بوده است. باوند یکی از دلایل احتمالی انتشار این اسناد را در شرایط کنونی تلاش آمریکایی‌ها برای گشایش بایی جدید برای گفت‌وگو با جمهوری اسلامی می‌داند. فرزند آیت‌الله کاشانی اما همچنان بر دیدگاه قدیمی خود مبنی بر عدم وقوع کودتا پافشاری می‌کند و حتی گامی فراتر گذاشته و مصدق را «عامل انگلیس» معرفی می‌کند.

❧ **آقای کاشانی شما معتقدی آنچه در روز ۲۸مرداد سال ۱۳۳۲ رخ داد، کودتا نبوده است و بر این اعتقاد هستید که شاه براساس قانون اساسی حق داشته در شرایطی که مجلس مشروطه وجود نداشته حکم عزل نخست‌وزیر را صادر کند. اسنادی که اکنون از طرف آمریکایی‌ها منتشر شده علاوه بر خاطرات «کرمیت روزولت» نشانگر یک زمینه‌چینی گسترده از ماهه قبل از ۲۸مرداد شامل خرابکاری، تحریم و حتی تلاش برای تخریب چهره مصدق نزد افکار عمومی، توزیع پول میان مخالفان مصدق، تحریک افسران و حتی متقاعد کردن شخص شاه برای سرنگونی مصدق است. آیا انتشار این اسناد باعث تغییر دیدگاه شما نسبت به واقعه ۲۸مرداد نشده است؟**

کاشانی: البته عقیده راسخ من این است که در مرداد سال ۱۳۳۲ هیچ حرکتی از سوی نیروهای نظامی ایران علیه شخص مصدق نشده بود. کسانی هم که مدعی وقوع کودتا هستند، بار دلیل به دوش آنهاست که ثابت کنند در مرداد سال ۱۳۳۲ کودتایی علیه دولت وقت رخ داده است، ادعایی که ۶۰سال است مدام تکرار می‌شود ولی کمتر کسی به خودش مجال داده یا احساس مسوولیت کرده که دلیلی برای وقوع کودتا بیاورد. به اعتقاد من کودتا امری پنهانی نیست بلکه حرکت آشکار نیروهای مسلح علیه دولت رسمی است که نمونه کنونی آن حرکت ارتش مصر علیه محمد مرسى رییس جمهوری مصر است که حرکتی آشکار بوده؛ هم در آغاز و هم در ادامه آن شاهد تضاد و تقابل نیروهای ارتش و نیروهای اخوان‌المسلمین هستیم و در این مورد هیچ کس نمی‌تواند منکر وقوع کودتا شود. اما درباره آنچه به نام کودتا در ۲۵ و ۲۸مرداد روایت شده هیچ مستندی برای وقوع آن وجود ندارد و من با قاطعیت می‌گویم که یک دروغ تاریخی است ولی باید نظرات دیگر را در تایید این رویداد بررسی کنیم و ببینیم که دلایل آن چیست چون به هر حال بار دلیل بر دوش مدعی است. من که انکار می‌کنم نباید دلیل بیایرم برای اینکه معتقدم کودتایی به‌وقوع نیویسته و بعد به بررسی اسناد بپردازیم.

❧ **پس انتشار اسناد در دیدگاه شما هیچ تغییری ایجاد نکرده است؟**

مطلقا

❧ **آقای باوند شما در این باره چه نظری دارید؟**

باوند: یک اصطلاحی است به نام یونیورسال اندرستندینگ (universal under-standing) که به معنای شناخت و درک جهانی است. این یک درک مشترک در جامعه بین‌المللی است که کشورهایی که کودتا کردند منافعی دارند. باید به این نکته توجه کرد که انجام کودتا از نظر اخلاقی پاداشی برای دولت‌هایی که کودتا می‌کنند ندارد، به‌خصوص دولت‌هایی که ادعای دموکراسی دارند. آیزنهاور، که دولتش یکی از عاملان اصلی کودتا بود، در کنگره آمریکا در نطق خداحافظی‌اش به دو دستاورد اشاره می‌کند: یکی کودتای ۲۸مرداد در ایران است و دیگری کودتایی در گواتمالا علیه کاسترو ارماس و بعد از سال‌ها در زمان کلیتون خنسم ال‌برایت از کودتای آمریکا علیه مصدق می‌گوید و فراتر از آن ابراز تاسف می‌کند که این رویداد سبب شد فرآیند دموکراسی در ایران متوقف شود. افرادی در سیا مانند روزولت تا مجموع اسنادی که از این رویداد سخن می‌گویند و انگلیسی‌ها نیز به این رخداد اذعان دارند. دایره‌المعارف‌های مرجع این کشورها هم به کودتا اشاره می‌کنند. بنابراین وقتی یک درک جهانی و بین‌المللی وجود دارد حتی اگر من هم بگویم که نه این رویداد، کودتا نبوده باید این باور بازتاب خارجی نیز داشته باشد. بالاخره بعد از ۶۰ سال تعصب‌ها، منافع و مسایل برطرف می‌شود.دولت‌هایی مانند انگلیس هم اسناد را بعد از ۳۰سال منتشر می‌کنند مگر آن اسناد بسیار محرمانه باشد. بنابراین هنگامی که درک و بینشی جهانی درباره این واقعه وجود دارد و آن را کودتا تلقی کنند؛ اگر کسی منکر آن شود تنها ممکن است باعث رضایت خاطر شخصی باشد ولی بازتابی در محافل و مجالس محققان ندارد مگر برای کسانی که در آن رویداد ذی‌نفع بودند. ولی در خارج هیچ استدلالی برای اینکه کودتا نبوده، وجود ندارد. مساله دیگری که می‌خواهم به آن اشاره کنم این است که اگر کودتا رخ نداده و ۲۸مرداد قیام ملی بوده، این قیام مردم برای چه بوده؟ آیا برای بازگشت دوباره انگلیس و استبداد بود؟ خبر، می‌دانیم که هنگامی که در مجلس به ملی‌شدن صنعت نفت رای داند به دلیل این بود که